

بررسی وضعیت فقر و توزیع در آمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه گذاری های عمرانی دولت

مسعود فهرستی ثانی^۱، ایرج صالح^۲ و حبيب الله سلامی^۳

۱، ۲ و ۳ به ترتیب پژوهشگر موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، استادیار و دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران

موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی و گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

تلفن:

۰۲۱-۸۸۸۰۰۴۱۷

E-mail:

Fehrest_i_eco@yahoo.com

Irajsaleh@yahoo.com

بررسی وضعیت فقر و توزیع در آمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر تأثیر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت

خلاصه

تأمین زیربنای فیزیکی در فرآیند توسعه اقتصادی نقش مهمی ایفا کرده و دسترسی بهتر به زیرساخت‌های نظیر امکانات آموزشی و بهداشتی، آبرسانی، برق رسانی و حمل و نقل باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی می‌شود. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش پارامتریک سهم سرمایه‌گذاری‌های عمده زیر بنایی در مناطق روستایی ایران بر فقر و توزیع درآمد روستائیان با استفاده از آمار دوره ۸۱-۱۳۶۱، برآورد گردید. بر اساس نتایج بدست آمده، فقر روستایی در طی سالهای مورد مطالعه کاهش، لیکن میزان نابرابری در مناطق روستایی افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری‌های بهداشتی، برق رسانی، آبرسانی و توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی در مناطق روستایی سبب بهبود توزیع درآمد گردیده و احداث راه‌های روستایی و تأسیس مراکز آموزشی منجر به افزایش نابرابری در میان روستائیان شده است. به جز احداث مراکز خدمات درمانی و بهداشتی، سایر سرمایه‌گذاری‌های مذکور اثر کاهشی بر فقر داشته‌اند. جهت دستیابی به بازده مطلوب در این زمینه توصیه می‌شود دولت همزمان با انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، به بررسی اثرات مختلف این سرمایه‌گذاری‌ها پرداخته تا با رفع موانع مربوطه، شرایط و اوضاع مطلوبتری برای رشد این سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق روستایی و تأمین کالاها و خدمات عمومی فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت، فقر روستایی، توزیع درآمد، روش پارامتریک.

مقدمه

پدیده فقر که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملتها را تهدید کرده، موجب افزایش مرگ و میر به خصوص نوزادان و مادران، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسانها و در نهایت تنزل بهره‌وری اقتصادی می‌گردد. براساس گزارشات بانک جهانی در سال ۲۰۰۱ که بر پایه مطالعات این بانک در زمینه فقر صورت گرفته تقریباً نصف جمعیت ۶ میلیارد نفری جهان با روزی کمتر از ۲ دلار به سر برده و نزدیک به ۱/۲ میلیارد نفر کمتر از یک دلار در روز را برای مصارف شخصی خود صرف می‌کنند. فقر روستایی تقریباً ۶۳ درصد از کل فقر جهانی را شامل می‌شود که این مقدار در برخی کشورها نظیر بنگلادش به ۹۰ درصد می‌رسد (بانک جهانی، ۱۳۸۱).

توجه به روستاها و فعالیت‌های عمرانی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره مورد اهتمام دولت بوده است. با شکل‌گیری دولت شهید رجایی عملاً در جهت شناسایی مناطق محروم کشور گام‌های اساسی برداشته شد و دولت علیرغم وجود مشکلات مختلف، نیروهای موجود خود را جهت خدمات رسانی به مناطق روستایی بسیج کرد. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، با اتکاء به ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی حاصل از اتمام جنگ، سعی شد تا با طراحی برنامه‌های پنج ساله اقتصادی به بازسازی اقتصاد کشور اقدام گردد. از آرمانهای انقلاب اسلامی برقراری عدالت اجتماعی و افزایش سطح رفاه خصوصاً در میان افراد کم درآمد جامعه بوده و با توجه به تأکید صریحی که در قانون اساسی در ارتباط با ریشه کن نمودن فقر و برآوردن نیازهای مردم در جریان رشد اقتصادی با هدف آزادگی و تأمین استقلال اقتصادی جامعه شده است، شناخت اصولی فقر در جامعه روستایی به عنوان یکی از اقدامات اساسی مطرح می‌باشد. در این ارتباط آگاهی از عملکرد سیاست‌های بهبود ساختاری، میتواند دولت‌مردان و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی را در برنامه

ریزی و اجرای صحیح سیاستهای توسعه در فرآیند رشد یک اقتصاد متکی بر درآمدهای حاصل از نفت و حرکت در جهت تخصیص بهینه درآمد های نفتی در راستای رشد تولید و بهبود زیرساختهای اقتصادی یاری نماید. بدین روی و با توجه به اهمیت و ضرورت غیر قابل انکار بررسی این مسأله، در سالهای اخیر مطالعات نسبتاً قابل توجهی پیرامون شناخت دلایل فقر و میزان تأثیر گذاری عوامل مختلف بر فقر در جهان و ایران صورت گرفته است که به برخی از آنها در ذیل اشاره می شود:

پروین (۱۳۷۲) در مطالعه خود که به بررسی زمینه ها و علل اقتصادی فقر در ایران پرداخته است، از تحقیق خود اینگونه نتیجه گیری می کند که دوگانگی اقتصادی ناشی از اتخاذ سیاستهای صنعتی شدن و نقش درآمدهای حاصل از نفت در اقتصاد ایران، زمینه های بروز بیکاری، توزیع نابرابر درآمد و فقر را پدید آورده است. خالدی (۱۳۷۹) به اندازه گیری خط فقر در روستاهای ایران طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۵۰ پرداخته که نتایج مطالعه وی نشان دهنده آنست که افزایش درآمد سرانه واقعی، وقوع انقلاب اسلامی و روند زمانی، رفاه روستائیان را افزایش می دهد، لیکن عواملی نظیر تورم، رشد جمعیت، بهره وری سرانه، بیسوادی سرپرستان خانوارها و دستمزدها را فاقد تأثیر معنی دار بر میزان درصد فقرای روستایی معرفی می کند.

در مطالعات خارجی نیز اقتصاددانانی نظیر مورفی، شلیفر و ویشنی^۱ (۱۹۸۹) و همچنین سیکن و ماتسایاما^۲ (۱۹۹۶) پیش شرط جدایی ناپذیر مدرنیته شدن را توسعه زیربنای اقتصادی دانسته و دولت را زمانی در برنامه ریزیهای صنعتی شدن موفق می دانند که ایجاد زیرساخت ها سهم قابل توجهی در سرمایه گذاری داشته باشد. جیمینز^۳ (۱۹۹۵) با مطالعه در وضعیت اقتصادی ۵۸ کشور نشان داد که یک درصد بهبود در کانالهای آبرسانی، آسفالت جاده های اصلی و افزایش جاده های محلی به ترتیب ۱/۶۲ درصد، ۰/۲۶ و ۰/۲۱ درصد بهبود در بهره وری کشاورزی را به همراه دارد.

لیپتون^۴ (۱۹۷۷) در مطالعه خود اینگونه استدلال می کند که اکثر فقیرانی که در نواحی روستایی زندگی می کنند بیشتر درآمدها را از عایدی نیروی کار به دست می آورند. رشد کشاورزی برپایه تکنولوژی کاربر در کشورهای در حال توسعه به کاهش فقر روستائیان در این بخش بستگی دارد که اکثر آنها کالاها و خدمات غیر تجاری تولید می کنند. هیزل و هدد^۵ (۲۰۰۱) بیان می کنند که رشد بهره وری بخش کشاورزی، مزرعه داران و کشاورزان بی زمین را با افزایش تولید و اشتغال منتفع ساخته و رشد در اقتصاد غیر مزرعه ای (غیر کشاورزی) روستایی و شهری را ارتقاء می دهد. این استدلالات توسط برخی مطالعات تجربی نیز حمایت می شود. دت و راوالیون^۶ (۱۹۹۸) اثرات رشد عملکرد و دستمزدهای واقعی را روی فقر برای روستاهای هند بررسی کرده و نشان دادند که عملکرد بالاتر و افزایش دستمزد، فقر را به یک میزان کاهش می دهد. فن، هیزل و ثرات^۷ (۱۹۹۹) در مطالعه خود مطرح ساختند که بیشترین بازده سرمایه گذاریهای عمومی در کشور هند بر افزایش بهره وری کشاورزی، کاهش فقر و توسعه حمل و نقل، از طریق افزایش راه روستایی و تحقیقات در بخش کشاورزی صورت می پذیرد.

¹ K. Murphy, A. Shleifer & R. Vishny

² A. Ciccone & K. Matsuyama

³ E. Jimenez

⁴ M. Lipton

⁵ P. Hazell & L. Haddad

⁶ G. Datt & M. Ravallion

⁷ S. Fan, P. Hazell, & S. Thorat

ودن^۸ (۱۹۹۹) با استفاده از روش شبیه سازی^۹ دریافت که در کشور بنگلادش رشد بخش روستایی بیشتر از رشد بخش شهری فقر را کاهش داده است. ثوربک و جانگ^{۱۰} (۱۹۹۶) نیز با به کار بردن روش شبیه سازی و ماتریس حسابداری اجتماعی^{۱۱} برای اندونزی نیز نتیجه مشابهی بدست آوردند. وار و وانگ^{۱۲} (۱۹۹۹) دریافتند که رشد صنعتی، فقر در تایوان را کاهش داده و این امر را ناشی از دگرگونیهای ساختاری در تایوان طی دهه اخیر دانستند. مطالعات دیگری نیز تفاوتهای بخشی را در کاهش فقر مورد بررسی قرار داده اند. به عنوان مثال در مطالعه ای دت و راوالیون (۱۹۹۶) رشد بخش کشاورزی هند را در کاهش فقر روستائیان و شهرنشینان مؤثر دانسته و بیان می کنند که رشد بخش صنعت بر جامعه فقیر روستایی اثر معنی داری ندارد. بورگیگنون و موریزن^{۱۳} (۱۹۹۸) یک نمونه ۳۸ تایی از کشورهای در حال توسعه کوچک و متوسط را در نظر گرفته و دریافتند که رشد در بخش های کشاورزی و خدمات، فقر را بیشتر از رشد در تولید محصولات صنعتی کاهش می دهد. تنها وایت و اندرسون^{۱۴} (۲۰۰۰) در نتایج خود به اثر منفی رشد کشاورزی بر فقر اشاره کردند؛ اما نیمی از حجم نمونه ای که در تحلیلشان در نظر گرفتند، کشورهای توسعه یافته را شامل می شد.

مطالعات انجام گرفته اکثراً به بررسی زمینه های نظری و طرق اندازه گیری فقر شهری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است، اما از آنجائیکه روستائیان از محرومترین اقشار جامعه می باشند و بسیاری از معضلات شهری ناشی از مهاجرت روستائیان به سوی شهرها و در نتیجه انتقال مشکلات روستاها به سمت شهرهاست، شناخت فقر روستایی و بررسی اثرات سرمایه گذاریهای زیربنایی بر کاهش آن در جریان برنامه های توسعه کشور، ضرورتی انکار ناپذیر است. لذا لازم است درخصوص تأثیر سرمایه گذاری های دولت در امور زیربنایی مناطق روستایی کشور بر کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد در این مناطق نیز مطالعاتی صورت پذیرد. از سوی دیگر علت اصلی ناکامی در کاهش محرومیت همواره زائیده عدم فعالیت و بی اعتنائی دولتها نسبت به فقرا و اقشار آسیب پذیر نیست. بلکه این ناکامی ها در بسیاری از موارد از سیاستهای غیراصولی علیه فقر، درک محدود از اثرات مستقیم و غیرمستقیم این گونه اقدامات و نیز از ساختارهای ضعیف اقتصادی نشأت می گیرد. با توجه به اهمیت نقش دولت در رابطه با کاهش فقر، هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر سرمایه گذاری های زیربنایی از جانب دولت در روستاها بر کاهش فقر در این مناطق می باشد. اهداف فرعی زیر نیز در این تحقیق مدنظر می باشند:

- ۱- بررسی تأثیر سرمایه گذاریهای زیر بنایی بخش عمومی در روستاها بر توزیع درآمد در میان روستائیان
- ۲- شناخت فقر روستایی و اندازه گیری خط فقر و درصد فقرای روستایی در ایران در طول دوره مورد بررسی
- ۳- بررسی روند انواع سرمایه گذاریهای زیر بنایی دولت در روستاهای کشور در طی دوره مورد مطالعه

مواد و روشها

به منظور بررسی تأثیر سرمایه گذاریهای زیر بنایی بخش عمومی در روستا بر فقر و توزیع درآمد ابتدا باید به تعیین این که چه کسانی فقیرند و چه کسانی غیر فقیر، توجه گردد. به این منظور به بررسی محاسبه خط فقر پرداخته و مستقیماً نیازهای غذایی افراد مورد توجه قرار می گیرد. جهت به کار بستن این روش، نخست باید حداقل مخارج لازم برای تهیه حداقل مواد خوراکی مورد نیاز یک فرد تعیین شود. زمانی جیره غذایی متعادل و مناسب تلقی می شود که در آن تأمین انرژی و

⁸ Q. Wodden

⁹ Simulation

¹⁰ E. Thorbeck & H. Jung

¹¹ Social Accounting Matrix

¹² P. War & W. Wang

¹³ Bourguignon & Morrisson

¹⁴ H. White & E. Anderson

مقدار و استفاده مواد از گروههای مختلف غذایی در نظر گرفته شده باشد. حداقل تغذیه مناسب (الگوی کف) که به الگوی پیشنهادی انستیتوی تغذیه نیز معروف است، باید تأمین کننده ۲۲۵۰ کیلوکالری انرژی در روز باشد. بدیهی است که این مقدار کالری بایستی از ترکیب مواد غذایی متفاوتی نظیر: غلات، حبوبات، گوشت، قند و شکر، روغن، لبنیات، سبزیجات و میوه جات فراهم شود که سهم هر یک توسط کارشناسان تغذیه تعیین شده است (جدول شماره ۱). شایان ذکر است که در مطالعات مربوط به محاسبه خط فقر نیاز به ارائه آمار به روز الگوی پیشنهادی تغذیه توسط انستیتو تغذیه ایران احساس می شود.

اگر حداقل مواد خوراکی مورد نیاز با X_i نشان داده شده و قیمت برآورد شده آنها P_{X_i} باشد، آنگاه حداقل هزینه های خوراکی که نشان دهنده خط فقر غذایی است از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$\text{خط فقر غذایی} = \sum_{i=1}^n X_i P_{X_i} \quad (1)$$

از آنجایی که به نظر می رسد برای فقرا در کشورهای در حال توسعه هزینه غذا عمده ترین محدودیت در بودجه خانوار به شمار می آید و یا به عبارتی درصد بیشتری از هزینه های خانوار صرف تأمین غذا می شود، لذا معمولاً در مطالعات مختلف پیشنهاد شده که خط فقر کل به صورت زیر محاسبه گردد:

$$\text{خط فقر کل} = \frac{1}{3} (\text{خط فقر غذایی}) + \text{خط فقر غذایی} \quad (2)$$

جدول شماره ۱: الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران

مقدار غذایی مورد نیاز	مقدار (گرم در روز)	مقدار کیلوکالری در روز	مقدار (کیلوگرم در سال)
غلات:	۳۵۰	-	-
۱. نان	۲۵۰	۹۰۰	۹۰
۲. برنج	۱۰۰	۳۶۰	۳۶
حبوبات	۳۰	۱۰۵	۱۰/۸
قند و شکر	۴۵	۱۰۸	۱۶/۲
روغن	۲۵	۲۲۵	۹
گوشت	۱۰۰	-	-
۱. گوشت قرمز	۳۰	-	۱۰/۸
۲. گوشت سفید	۲۵	-	۹
۳. گوشت ماهی	۲۰	۱۲۰	۷/۲
۴. تخم مرغ	۲۵	-	۹
لبنیات:	۲۲۰	-	-
۱. شیر	۱۰۰	۶۰	۳۶
۲. ماست	۱۰۰	۶۰	۳۶
۳. پنیر	۲۰	۴۶	۷/۲
سبزیجات	۳۲۰	۱۰۹	۱۱۵
میوه جات	۳۵۰	۹۴	۱۲۶

مأخذ: ترکیسیان، ن. و همکاران (۱۳۵۸)، جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، جلد اول: مواد غذایی خام، انتشارات انستیتوی تغذیه و صنایع

غذایی ایران، شماره ۱۳۱، تهران.

اندازه گیری خط فقر در یک جامعه در واقع تعیین آستانه ای برای تشخیص فقیر از غنی است. لذا برای اندازه گیری مقدار فقر در جامعه، نسبت سرشمار، شاخص مناسبی است، در این رابطه با در اختیار داشتن خط فقر و آمار بودجه خانوار در مناطق شهری و روستایی، به تفکیک گروههای هزینه ای و براساس فرمول زیر، شاخص نسبت سرشمار، محاسبه می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱):

$$H = \frac{q}{n} \times 100 \quad (3)$$

که در این رابطه:

H: نسبت سرشمار^{۱۵}

q: تعداد خانوارهایی که درآمد آنها از میزان لازم پائین تر است و

n: تعداد کل خانوارها می باشند.

به طور مثال با فرض اینکه خانوارهای واقع در گروههای هزینه اول، دوم، سوم و تعدادی از خانوارهای گروه هزینه ای چهارم در زیر خط فقر قرار گرفته باشند، براساس رابطه (۴) درصدخانوارهای زیر خط فقر مابین دو گروه هزینه ای ۳ و ۴ محاسبه می شوند و به عدد ۳۰ اضافه می گردند. روابط ذیل به صورت دقیق تر این مطلب را بیان می کنند (خالدی، ۱۳۷۹).

$$\text{درصد خانوارهای زیر خط فقر بین دو گروه هزینه ای ۳ و ۴} = \frac{\text{هزینه گروه هزینه ای پایین (۳) - خط فقر}}{\text{هزینه گروه هزینه ای بالا (۴) - هزینه گروه هزینه ای پایین (۳)}} \quad (4)$$

$$\text{تعداد خانوارهای زیر خط فقر بین دو گروه هزینه ای} = \left(\begin{array}{c} \text{درصد خانوارهای} \\ \text{زیر خط فقر بین} \\ \text{دو گروه هزینه ای} \end{array} \right) \times \left(\begin{array}{c} \text{کل خانوارهای} \\ \text{قرار گرفته} \\ \text{در حد بالا} \end{array} \right) \quad (5)$$

$$\text{کل خانوارهای فقیر} = \left(\begin{array}{c} \text{تعداد خانوارهای زیر خط} \\ \text{فقر بین دو گروه هزینه ای} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{خانوارهای فقیر قرار گرفته} \\ \text{در گروههای هزینه ای پایین تر} \end{array} \right) \quad (6)$$

$$\text{شاخص نسبت سرشمار} = \frac{\text{کل خانوارهای فقیر}}{\text{تعداد کل خانوارها}} \times 100 \quad (7)$$

از آنجا که در نظر است در مطالعه حاضر به تحلیل چگونگی تأثیر ایجاد زیرساخت های اقتصادی از قبیل سرمایه گذاری در منابع آبی، آموزش، ایجاد راه روستایی و تأسیس خانه های بهداشت در مناطق روستایی بر توزیع درآمد و فقر در مناطق روستایی پرداخته شود، لذا در این بخش با استفاده از تحلیل اقتصادسنجی به بررسی مدل های رگرسیونی مورد استفاده در این مطالعه پرداخته می شود. به منظور بررسی اثرات توسعه زیرساخت های فیزیکی بر کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد در روستاها، دو رابطه مربوط به فقر و توزیع درآمد به صورت زیر بسط داده شد (سیرتل، ۲۰۰۳ - فن، ۱۹۹۹ و فن، ۲۰۰۳):

¹⁵ Head Count Ratio

$$Gini = g(Y, GDPP, Edu, He, Ir, El, R) \quad (۸)$$

$$P = h(Y, Gini, Edu, He, Ir, El, R) \quad (۹)$$

که در این روابط:

Gini: ضریب جینی در مناطق روستایی

Y: ارزش کل تولیدات کشاورزی کشور

P: درصد فقرای روستایی

GDPP: تولید ناخالص داخلی (GPP) سرانه

Edu: نرخ بیسوادی در خانوارهای روستایی

Ir: سرمایه گذاری در منابع آبی

He: تعداد خانه های بهداشت احداث شده در روستاها

El: تعداد روستاهای دارای برق

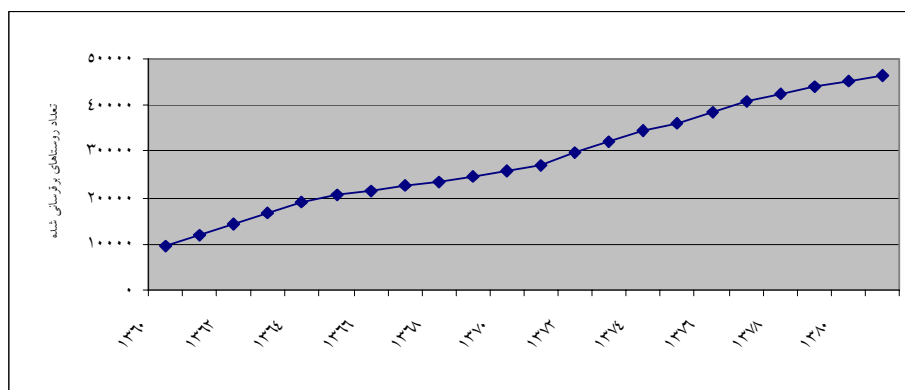
R: میزان راه روستایی احداث شده (کیلومتر)

نتایج و بحث

بطور کلی تحلیل های انجام شده در این مطالعه، در دو بخش ارائه میگردند. در این قسمت ابتدا به بررسی روند تغییرات سرمایه گذاری های عمومی دولت در مناطق روستایی ایران، روند توزیع درآمد و فقر در میان خانوارهای روستایی طی دوره مورد بررسی پرداخته و سپس نتایج حاصل از تخمین اثرات سرمایه گذاری های زیر بنایی بر فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ارائه می گردد.

در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که با اعتباری معادل ۲۸۹۶۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید، مهمترین هدف، بازسازی و تجهیز امور دفاعی بود و پس از آن تولید و امور زیربنایی مورد تأکید قرار گرفت. موفقیت نسبی بخش کشاورزی در تحقق برنامه اول در کنار عدم توفیق کامل سایر بخشها باعث شد تا در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران طی دوره ۷۸-۱۳۷۴، بر نقش محوری بخش کشاورزی و عمران روستایی در توسعه اقتصادی کشور تأکید گردد. لذا با وجود ادامه تحریم های اقتصادی، برنامه ریزان و دولتمردان توجه بیشتری به عمران و خدمات رسانی به روستاها نمودند که این امر خود نتایج قابل توجهی در طی اجرای دو برنامه در امور زیربنایی روستاها به همراه داشته است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۱).

نمودار شماره ۱: تعداد روستاهای برق رسانی شده



منبع: وزارت نیرو، سی و پنج سال صنعت برق ایران در آینه آمار، آبان ۱۳۸۱

همانگونه که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می گردد، تعداد روستاهای برق رسانی شده از ۱۱۸۲۶ روستا در سال ۱۳۶۱ به ۴۵۳۵۹ روستا در سال ۱۳۸۰ رسید که به صورت میانگین سالیانه ۱۷۹۰ روستا برق رسانی شده است. دولت در طی سالهای جنگ توانست به طور متوسط به تعداد روستاهای برق دار شده سالانه ۱۷۲۸ واحد اضافه کند که این روند در سالهای آغازین جنگ رشد سریع تر و در سالهای پایان جنگ رشد کمتری را به دلیل افزایش بودجه نظامی و دفاعی کشور به خود گرفت. به طور کلی بیشترین عملکرد مربوط به برق رسانی به روستاها طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۱، به میزان ۳۰۰۸ روستا در سال ۱۳۷۲ و کمترین عملکرد، ۸۹۹ تعداد روستا در سال ۱۳۶۸ می باشد (وزارت نیرو، ۱۳۸۱).

میزان راه های روستایی احداث شده اعم از شوسه و آسفالت از ۶۵۹۸۱ کیلومتر در سال ۱۳۶۱ به ۹۵۷۴۶ کیلومتر در سال ۱۳۸۱ بالغ گردیده به گونه ای که به طور متوسط سالیانه ۱۴۸۸ کیلومتر به راههای روستایی اضافه شده است. در این رابطه بیشترین رشد میزان راه احداث شده معادل ۳۱۶۴ کیلومتر در سال ۱۳۶۲ و کمترین آن به میزان ۴۶۳ کیلومتر در سال ۱۳۸۰ می باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۱).

تعداد خانه های بهداشت احداث شده توسط دولت در روستاهای کشور حاکی از آن است که تعداد خانه های بهداشت تکمیل و تحویل داده شده از ۳۲۰۰ واحد تا سال ۱۳۶۱ به ۱۶۳۲۲ واحد تا سال ۱۳۸۱ رسید، بطوریکه به طور متوسط سالیانه ۶۵۶ واحد به مجموع خانه های بهداشت احداث شده اضافه گردیده است. روند تغییرات نشان دهنده آن است که خانه های بهداشت در سالهای ابتدایی با رشد بیشتری افزایش یافته و در سالهای پایانی از رشد آن کاسته شده است. بیشترین رشد به میزان ۱۷۰۰ واحد در سال ۱۳۶۸ و کمترین رشد به میزان ۲۹۲ واحد مربوط به سال ۱۳۷۸ می باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۱).

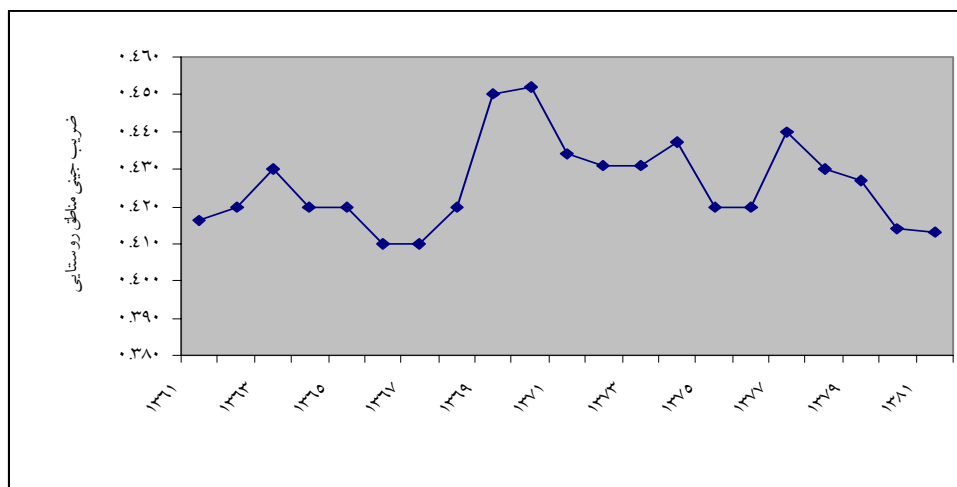
دولت در جهت تأسیس مدارس روستایی سهم زیادی در افزایش با سوادی در میان روستائیان داشته است. آنچه که به عنوان شاخصی از عملکرد دولت در آموزش روستائیان می توان ذکر نمود و اطلاعات مربوطه از لحاظ آماری در دسترس می باشد، درصد خانوارهایی است که حداقل دارای یک فرد باسواد می باشند. این شاخص از ۷۰/۲۹ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۸۶/۹۸ درصد در سال ۱۳۸۱ در مناطق روستایی بالغ گردیده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۱).

میزان سرمایه گذاری در منابع آبی به ارزش ثابت سال ۱۳۷۶ که شامل سرمایه گذاری در احداث سدها، ایجاد کانالهای آبرسانی به مزارع و روستاها می باشد، ابتدا با روند ملایمی افزایش پیدا کرده و در اوایل دهه ۷۰ به اوج خود می رسد، اما در اواخر دهه ۷۰ به دلیل کاهش قیمت نفت و توان کم دولت، روند نزولی و پس از آن افزایشی پیدا می کند و در اواخر دوره ۸۱-۱۳۶۱ به ارزش واقعی میزان سرمایه گذاری در اوایل دهه ۷۰ نزدیک می شود. میزان سرمایه گذاری سالانه به قیمت ثابت در منابع آبی نیز از حدود ۲۶۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ به حدود ۱۵۲۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش پیدا کرده است، به گونه ای که به طور متوسط سالانه ۹۵۵ میلیارد ریال صرف ایجاد و احداث سدها و مخازن آبی و کانال رسانی به مزارع و آبرسانی به روستاها شده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۱).

حال پس از بررسی روند تغییرات سرمایه گذاری های زیربنایی در مناطق روستایی به بررسی روند تغییرات ضریب جینی به عنوان شاخصی از وضعیت توزیع درآمد در میان روستائیان طی دوره مورد بررسی پرداخته می شود. نمودار شماره ۲ روند تغییرات ضریب جینی در مناطق روستایی را نشان می دهد. توزیع درآمد در بخش روستایی طی سالهای ۸۱-۱۳۶۱ با نوساناتی همراه بوده است. میانگین ضریب جینی طی دوره مورد بررسی ۰/۴۳ می باشد، که حداقل آن به میزان ۰/۴۱ مربوط به سالهای ۶۶ و ۶۷ و حداکثر آن به میزان ۰/۴۵ مربوط به سال ۱۳۷۰ می باشد. میانگین ضریب جینی طی سالهای جنگ ۰/۴۲، برنامه اول توسعه ۰/۴۴ و برنامه دوم ۰/۴۳ می باشد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۱).

بررسی روند توزیع درآمد نشان می دهد که در سالهای جنگ به دلیل پرداخت یارانه از سوی دولت برای کالاهای اساسی و همچنین توجه خاص دولت به کشاورزی به عنوان بخش مهم در تأمین نیازهای غذایی و ارز مورد نیاز کشور و همچنین فقدان معضل جدی در رابطه با بیکاری و اتکاء روستائیان به درآمد حاصل از فعالیت کشاورزی روند تقریباً یکنواختی در نحوه توزیع درآمد در بخش روستایی وجود داشته است و در واقع سالهای پایانی جنگ درآمد در بین روستائیان در وضعیت برابری نسبت به تمام دوره های پس از انقلاب قرار دارد. اما بعد از جنگ به دلیل حذف برخی از یارانه ها و همچنین اتخاذ سیاستهای تعدیل و آزادسازی اقتصادی از جانب دولت و نرخ تورم قابل توجه در این سالها، افزایش نابرابری توزیع درآمد در بخش روستایی مشاهده می شود، به طوریکه اوایل دهه ۷۰ نامطلوبترین وضعیت از لحاظ توزیع درآمدی در بین روستائیان طی دوره مورد مطالعه دیده می شود. این امر در اکثر کشورها پس از آزادسازی و اعمال سیاستهای تعدیل، بدلیل برخورداری برخی از افراد جامعه از عواید آن (که معمولاً در مورد افرادی که در مراحل پس از تولید محصول و رسیدن آن به دست مصرف کننده نقش دارند میباشند)، توزیع درآمد در جامعه روستایی نابرابرتر می شود. دوراندهش (۱۳۷۹) نیز در مطالعه خود در تعیین ضریب جینی به نتیجه مشابهی دست یافته است.

نمودار شماره ۲: روند تغییرات ضریب جینی در مناطق روستایی کشور



مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کل کشور، دفتر اقتصاد کلان، سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۱

دولت پس از مواجهه با این وضعیت تصمیم به اتخاذ سیاستهایی در جهت توجه بیشتر به بخش کشاورزی و عمران روستایی گرفت تا در چارچوب یک فضای تولیدی و ایجاد درآمدهای مولد برای روستائیان گام بردارد و فاصله طبقاتی را در این راستا به حداقل برساند به طوری که این امر منجر به بهبود وضع توزیع درآمدی در این مناطق گردید. اما در سال ۱۳۷۷ به دلیل کاهش در قیمت نفت و همچنین شروع خشکسالی، مجدداً ضریب جینی افزایش یافت و پس از آن دوباره روند نزولی را در پیش گرفت. به طور کلی ضریب جینی در بخش روستایی طی سالهای مورد مطالعه به کندی در حال افزایش بوده و به طور میانگین سالانه به میزان ۰/۰۰۰۲ واحد رشد داشته و در واقع طی این دوره وضعیت درآمد روستائیان نابرابرتر شده است.

به منظور برآورد میزان و شدت فقر در جامعه روستایی خط فقر غذایی سالانه خانوار روستایی، خط فقر کل و شاخص نسبت سرشمار محاسبه گردید که نتایج حاصل در جدول شماره ۲ ارائه می گردد. شاخص نسبت سرشمار یا همان درصد فقرای روستایی نشان دهنده دهکهای درآمدی زیر خط فقر هستند. بطور مثال عدد ۳۵ درصد نشان دهنده سه دهک درآمدی در مناطق روستایی و همچنین نیمی از دهک درآمدی چهارم زیر خط فقر هستند.

در طی سالهای ۶۴-۱۳۶۱ شاخص درصد فقرای روستایی با میانگین ۳۱/۵۲ کمترین حد خود را دارا می باشد که این امر حاکی از وضعیت مطلوب تر از لحاظ برآورده شدن نیازهای اساسی درصد بیشتری از روستائیان می باشد. مهمترین دلیلی که در این رابطه می توان ذکر کرد، پایین بودن نرخ تورم در سطح ۷ درصد و افزایش توجه به بخش کشاورزی در طول سالهای جنگ به عنوان منبع مهم ایجاد درآمد و کسب ارز و کاهش وابستگی برای کشور است.

اما افزایش نرخ تورم به میزانی بیش از ۳/۵ برابر مقدار فوق الذکر (معادل ۲۵/۲۹) درصد در سال ۱۳۶۵ از یک طرف و بروز خشکسالی و کاهش تولید کشاورزی از طرف دیگر سبب شد که شوک بزرگی به خانوارهای روستایی وارد آید، به طوریکه کمترین میزان این شاخص در طی سالهای ۶۵-۱۳۶۱ معادل ۳۱/۱۵ درصد در سال ۱۳۶۴، به بیشترین میزان در طول دوره مذکور، یعنی به میزان ۳۹/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید، که این حاکی از آن است که در سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۴۰ درصد خانوارهای روستایی قادر به تأمین نیازهای اساسی خود نگردیدند.

جدول شماره (۲): خط فقر غذایی سالانه خانوار روستایی، خط فقر کل و نسبت سرشمار (۱۳۶۱-۱۳۸۱)

سال	خط فقر غذایی سالانه خانوار روستایی	خط فقر کل	شاخص نسبت سرشمار
۱۳۶۱	۱۸۸۹۸۳	۲۵۱۹۷۲	۳۱/۳
۱۳۶۲	۲۱۲۴۹۲	۲۸۳۳۱۶	۳۱/۴۴
۱۳۶۳	۲۳۲۴۵۳	۳۰۹۹۳۰	۳۲/۲۱
۱۳۶۴	۲۳۵۷۱۰	۳۱۴۲۷۲	۳۱/۱۵
۱۳۶۵	۳۰۳۱۹۶	۴۰۴۲۵۱	۳۹/۱۰
۱۳۶۶	۳۹۳۵۷۵	۵۲۴۷۵۴	۳۸/۹۶
۱۳۶۷	۴۵۹۸۲۸	۶۱۳۰۸۹	۳۸/۸۶
۱۳۶۸	۵۵۵۰۹۰	۷۴۰۱۰۲	۳۸/۸۹
۱۳۶۹	۵۹۷۷۲۴	۷۹۶۹۴۶	۳۶/۶۴
۱۳۷۰	۶۸۵۲۵۰	۹۱۳۶۴۴	۳۶/۴۱
۱۳۷۱	۸۷۰۰۰۷	۱۱۵۹۹۸۱	۴۶/۳۰
۱۳۷۲	۱۰۶۹۶۶۰	۱۴۲۶۱۷۸	۳۶/۲۶
۱۳۷۳	۱۴۵۱۹۶۹	۱۹۳۵۹۱۰	۳۳/۸۷
۱۳۷۴	۲۰۷۲۱۰۲	۲۷۶۲۷۳۳	۳۲/۶۸
۱۳۷۵	۲۵۱۰۸۹۶	۳۳۴۷۷۷۸	۳۲/۲۶
۱۳۷۶	۳۰۱۰۲۷۳	۴۰۱۳۵۹۷	۳۱/۵۴
۱۳۷۷	۴۰۳۸۰۹۵	۵۳۸۳۹۹۳	۳۵/۶۵
۱۳۷۸	۵۰۲۸۱۶۰	۶۷۰۴۰۴۵	۳۴/۲۸
۱۳۷۹	۵۹۴۱۱۶۳	۷۹۲۱۳۵۳	۳۵/۳۷
۱۳۸۰	۶۷۴۵۹۳۸	۸۹۹۴۳۵۹	۳۵/۱۱
۱۳۸۱	۸۳۲۷۲۲۰	۱۱۱۰۲۶۸۲	۳۴/۰۳

منبع: یافته های تحقیق

با وجود تلاش دولت در جهت توجه ویژه به بخش کشاورزی، به دلیل اتخاذ سیاستهای تعدیل و آزادسازی از جانب دولت در اوایل دهه ۷۰ و همچنین افزایش بی سابقه نرخ تورم در این سالها، روند کاهشی بسیار ضعیفی در افزایش شاخص درصد فقرای روستایی دیده می شود. اما پس از کنترل نرخ تورم و همچنین ظهور تأثیر سرمایه گذارهای زیربنایی در روستاها، این شاخص تا سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ روندی نزولی به خود گرفت. بروز خشکسالی در سال ۱۳۷۷ مهمترین عاملی بود که باعث شد درصد فقرای روستایی از ۳۱/۵۴ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳۵/۶۵ درصد در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته و ادامه خشکسالی سبب شد تا سال ۱۳۸۱ این شاخص تقریباً به طور یکنواخت حول و حوش مقدار ۳۵ و ۳۴ درصد در نوسان باشد.

به منظور بررسی اثرات توسعه زیرساخت ها و بهبود تکنولوژی بر توزیع درآمد و فقر روستایی در اکثر مطالعات انجام گرفته از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. الگوی برآورد شده در این مطالعه دارای پشتوانه تجربی در سایر کشورها میباشد. برای مثال فن (۲۰۰۳) در مطالعات مختلف برای انستیتو غذای بین الملل در مورد کشورهای هند و چین و

همچنین سیرتل و همکاران (۲۰۰۳) برای بررسی اثر سرمایه گذاری های زیربنایی در کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد در مجموعه ای از کشورها از دو معادله رگرسیونی ۸ و ۹ استفاده کرده‌اند. در مورد ایران نیز در این مطالعه ابتدا آزمون های مربوط به انتخاب بهترین شکل تبعی مدل^{۱۶} با کمک از نرم افزار SHAZAM صورت گرفت و پس از آن و با استفاده از آمار و اطلاعات برای مناطق روستایی ایران طی دوره ۸۱-۱۳۶۱ این اثرات، به طور جداگانه برآورد گردید، که نتایج حاصله در بخش های مختلف در ذیل ارائه می گردد. لازم به توضیح است که مدلها در نظر گرفته شده به صورت Log-Log برآورد شده است.

نتایج مدل توزیع درآمد در جدول شماره ۳ آمده است. معیار خوبی برازش مدل (R^2) برابر ۰/۹۶ است که بیانگر اهمیت متغیرهای توضیحی الگو در بیان رفتار متغیر وابسته یعنی ضریب جینی می باشد. آماره دوربین واتسون (D.W.) برابر ۲/۰۹ است که نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی بین متغیرهاست. اثبات فرض ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی - فولر^{۱۷} مبنی بر ایستا بودن جزء باقی مانده مدل و رد فرض وجود همخطی بین متغیرها با استفاده از آزمون P.C.^{۱۸} حاکی از معتبر بودن مدل رگرسیونی می باشد.

منفی بودن ضرایب ارزش تولید کالاهای کشاورزی و نیروی کار در بخش کشاورزی به کل جمعیت، حاکی از این است که افزایش تولید در بخش کشاورزی برای کشاورزان و همچنین فرصتهای شغلی بیشتر ایجاد شده در امور کشاورزی برای افراد بی زمین یا همان کارگران کشاورز باعث بهبود وضعیت توزیع درآمدی گردیده است. از آنجائیکه اکثر روستائیان مشغول به کار کشاورزی هستند، لذا افزایش تولید و اشتغال در این بخش تأثیر بسیار زیادی در کاهش فاصله طبقات درآمدی در میان آنان داشته است.

منفی بودن ضرایب مربوط به متغیرهای برق رسانی، ایجاد مراکز خدمات درمانی و سرمایه گذاری در منابع آبی نشان دهنده تأثیر مستقیم این سرمایه گذاریها در بهبود توزیع درآمدی است. عواملی نظیر روان شدن فرآیند تولید از طریق کاهش هزینه و افزایش درآمد (دسترسی بهتر به بازار نهاده و محصول)، ایجاد فرصتهای دوره ای اشتغال غیر کشاورزی (مانند ایجاد اشتغال در زمان تأسیس سد یا عبور کانالهای آبرسانی) و افزایش فرصتهای اشتغال در کنار فعالیت کشاورزی سبب کاهش فاصله طبقات درآمدی در بین روستائیان گردیده است.

علامت مثبت ضریب راه روستایی احداث شده و افزایش نرخ باسوادگی بیانگر تأثیر مستقیم این سرمایه گذاری ها در نابرابر شدن توزیع درآمدی در این مناطق است. در واقع به نظر می رسد که با افزایش سرمایه گذاری در حمل و نقل و ارتباطات، میزان استفاده مداوم از این خدمات به دلایل مالی خانوار یکسان نبوده و متناسب با قرار داشتن در وضعیت بهتر درآمدی، امکان بهره برداری از این خدمات عمومی بیشتر شده و در نتیجه فاصله طبقات درآمدی را افزایش می دهد. تأسیس مراکز آموزشی نیز با فراهم نمودن برخی شرایط مالی و شغلی، فرصتهای اشتغال بالاتر و بهتری را از لحاظ درآمدی ایجاد نموده و با اینکه سطح درآمد همه روستائیان را افزایش داده ولی این افزایش درآمد برای همه یکسان نبوده است.

ضریب مربوط به درآمد سرانه دارای علامت مثبت و معنی دار می باشد که نشان دهنده این است که در طی سالهای مورد مطالعه افزایش درآمد سرانه باعث نابرابر شدن وضعیت توزیع درآمدی شده به طوری که با رشد درآمد ملی، توزیع آن در بین اقشار روستایی به صورت نابرابر صورت گرفته است.

جدول شماره (۳): نتایج مدل برآورد شده توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور

¹⁶ Functional form test

¹⁷ Dicky-Fuller

¹⁸ Principal Component

متغیر وابسته: Ln Gini (ضریب جینی)		
فرم تابعی: Log - Log	شرح	ضرایب = کششها
Constant	عرض از مبدأ	-۰/۰۱۵ (-۰/۹)
Ln y	ارزش تولید کالاهای کشاورزی	-۰/۲۵* (-۲/۳۵)
Ln Labor	نیروی کار در بخش کشاورزی به کل جمعیت	-۰/۴۵* (-۷/۹)
Ln R	راه روستایی موجود (کیلومتر)	۰/۱۴ (۰/۸۴)
Ln El	تعداد روستاهای برق رسانی شده	-۰/۰۹۹* (-۲/۵۵)
Ln He	تعداد خانه های بهداشت روستایی	-۰/۰۷۲ (-۰/۵۴)
Ln Edu	درصد خانوارهایی که حداقل دارای یک فرد باسوادند	+۰/۰۴۱* (+۶/۵۹)
Ln Ir	سرمایه گذاری در منابع آبی	-۰/۰۴۱* (-۴/۰۶)
Ln GDPP	درآمد ملی سرانه	۰/۳۲* (۲/۶۲)
DUM1	متغیر مجازی جنگ	-۰/۰۷* (-۷/۱)
$R^2 = ۰/۹۶$	$\bar{R}^2 = ۰/۹۳$	D.W. = ۲/۰۹

تذکره ۱: در این مدل تمامی متغیرها (به جز متغیر موهومی) بر میانگین طول دوره مورد بررسی خود تقسیم گردیده و نرمالیزه شده اند.

تذکره ۲: ارقام داخل پرانتز مقادیر آماره t می باشند.

علامت * نشانه معنی داری ضریب در سطح ۵ درصد است.

منبع: یافته های تحقیق

دوراندیش (۱۳۸۱) نیز در مطالعه خود افزایش درآمد سرانه را عاملی در افزایش فاصله طبقاتی درآمدی در روستا می داند که این هماهنگی با نتایج مطالعه سیرتل و همکاران (۲۰۰۳) نیز می باشد. علامت منفی متغیر موهومی جنگ نیز از وضعیت بهتر توزیع درآمدی در زمان جنگ نسبت به زمان پس از جنگ حکایت دارد. همانگونه که قبلاً نیز توضیح داده شد، در طول سالهای جنگ روند تقریباً یکنواختی در نحوه توزیع درآمد در بخش روستایی به دلیل پرداخت یارانه از سوی دولت برای کالاهای اساسی و همچنین توجه خاص دولت به

کشاورزی به عنوان بخش مهم در تأمین ارز مورد نیاز کشور وجود داشته است و در واقع سالهای پایانی جنگ درآمد در بین روستائیان در وضعیت برابری نسبت به تمام دوره های پس از انقلاب قرار داشته است. اما بعد از جنگ، به دلیل حذف برخی از یارانه ها و همچنین اتخاذ سیاستهای تعدیل و آزادسازی اقتصادی از جانب دولت و وجود نرخ تورم نسبتاً بالا در این سالها، افزایش نابرابری توزیع درآمد در بخش روستایی نسبت به گذشته بیشتر مشاهده می شود. نتایج مدل برآورد شده مربوط به فقر روستایی در جدول شماره (۴) آورده شده است. نتایج آزمونهای دیکی - فولر، PC و D.W. همانند الگوی قبل بیانگر عدم وجود مشکلات نایستایی، همخطی و خود همبستگی می باشد. عدم وجود این مشکلات و همچنین دارا بودن معیارهای خوبی برازش (به طور مثال $R^2 = 0/95$ و $\bar{R}^2 = 0/90$)، بر مناسب بودن الگوی محاسبه شده دلالت دارد.

مثبت و معنی دار بودن ضریب متغیر "ضریب جینی" در مدل حاکی از آن است که کاهش فاصله طبقات درآمدی در بین روستائیان سبب افزایش سطح درآمد و در نتیجه کاهش فقر شده که در اکثر مطالعات (به طور مثال پژویان (۱۳۷۵) و سیرتل (۲۰۰۳)) چنین نتیجه ای در خصوص رابطه بین توزیع درآمد و فقر ملاحظه می شود.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، اکثر روستائیان درآمد خود را از طریق فعالیتهای کشاورزی به دست می آورند، لذا افزایش در سطح و ارزش تولید کشاورزی سبب افزایش سطح درآمدی روستائیان و در نتیجه کاهش فقر می شود که منفی و معنی دار بودن ضریب مربوط به ارزش تولید کالاهای کشاورزی در الگوی مربوط به تأثیر توسعه انواع زیرساخت ها بر کاهش فقر، پیامد همین مسئله است به طوری که نتیجه حاصله، هم جهت با نتیجه بدست آمده از الگوی توزیع درآمد می باشد. ایجاد راه روستایی، افزایش نرخ با سواد در روستا، سرمایه گذاری در منابع آبی و برق رسانی به روستاها، شرایط مطلوبتری نظیر در دسترس قرار دادن بهتر و با قیمت مناسبتر نهاده های تولید کشاورزی، فروش بیشتر محصولات با قیمتهای بالاتر، افزایش مهارت و کاهش هزینه های تولید و در بعضی مواقع ایجاد فرصتهای شغلی غیرکشاورزی در کنار کار کشاورزی را فراهم نموده و از سوی دیگر باعث افزایش درآمد روستائیان و در نتیجه افزایش سطح رفاه و کاهش فقر در این مناطق نیز شده است. منفی و معنی دار بودن ضرایب مربوط به این نوع سرمایه گذاری های صورت گرفته نیز بیانگر همین موضوع می باشد.

اکثر روستائیان به فعالیت کشاورزی مشغول و دارای زندگی معیشتی هستند در نتیجه، بروز پدیده هائی نظیر خشکسالی و یا افزایش زیاد و ناگهانی سطح عمومی قیمتها (به طور مثال نظیر رشد تورم در سال ۱۳۶۵) تأثیر قابل ملاحظه ای در سطوح درآمد و هزینه های آنان می گذارد، همانگونه که در نتایج الگو ملاحظه می گردد، متغیرهای مجازی خشکسالی و تورم تأثیر مثبتی بر افزایش فقر داشته اند. در بخش بررسی روند فقر روستایی ذکر شد که به طور کلی میزان فقر در روستا کاهش یافته که این امر، با منفی بودن متغیر روند زمانی در الگوی فقر تأیید می گردد، یعنی به طور کلی سطح درآمد و رفاه روستائیان افزایش یافته است.

جدول شماره ۴: نتایج مدل محاسبه شده کاهش فقر روستایی

نام متغیرها	شرح	ضرایب = کششها
Constant	عرض از مبدأ	-۰/۱۱ (-۰/۷۶)
Ln Gini	ضریب جینی	۰/۶۶* (۲/۳۹)
Ln y	ارزش تولید کالاهای کشاورزی	-۰/۵۲* (-۲/۷)
Ln R	راه روستایی موجود (کیلومتر)	-۰/۳۲ (-۰/۴۰)
Ln El	تعداد روستاهای برق رسانی شده	-۰/۵۰۴* (-۱/۹۹۷)
Ln Edu	درصد خانوارهایی که حداقل دارای یک فرد باسوادند	-۰/۱۵ (-۱/۴۲)
Ln Ir	سرمایه گذاری در منابع آبی	-۰/۰۴۱* (-۲/۵۷)
DUM2	متغیر موهومی خشکسالی	۰/۱۴* (۳/۹۷)
DUM3	متغیر موهومی افزایش تورم	۰/۰۹* (۲/۶۲)
T	متغیر روند	-۰/۰۰۱۸ (-۰/۱۴)
$R^2 = ۰/۹۵$	$\bar{R}^2 = ۰/۹۰$	D.W. = ۱/۹۵

تذکره ۱: در این مدل تمامی متغیرها (به جز متغیر روند) بر میانگین طول دوره مورد بررسی خود

تقسیم شده و یا به عبارتی به این روش نرمالیزه شده اند.

تذکره ۲: ارقام داخل پرانتز مقادیر آماره t می باشند.

علامت * نشانه معنی داری ضریب در سطح ۵ درصد است.

منبع: یافته های تحقیق

از آنجائیکه ایران در منطقه خشک و نیمه خشک واقع شده و بروز مشکلاتی نظیر خشکسالی اثر مثبتی بر افزایش فقر گذارده و از سوی دیگر سرمایه گذاری در امور آب باعث کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد میگردد، لذا به نظر می رسد که سرمایه گذاری در امور آبی از مهمترین انواع سرمایه گذاری های زیر بنایی در کشور میباشد.

پیشنهادات

همانطور که نتایج نشان می دهد، GDP سرانه اثر مثبتی بر افزایش نابرابری در میان روستائیان داشته و همچنین از آنجائیکه به طور کلی توزیع درآمد در میان روستائیان در طول دوره مورد بررسی نابرابرتر شده است، لذا انتظار می رود که در آینده جهت گیری سیاستهای دولت به سمت تقسیم عادلانه تر درآمدهای ایجاد شده در جامعه روستایی تنظیم گردد.

همچنین در برنامه ریزی و تخصیص بودجه، دولت باید علاوه بر توجه به افزایش سطح کمی سرمایه گذاریهای زیربنایی، بیشتر بر بالابردن سطح کیفی این گونه سرمایه گذاری ها تأکید نماید. به عنوان مثال گسترش آموزشهای فنی و حرفه ای متناسب با اوضاع و شرایط نهادی و اقلیمی روستاها و آموزش مهارتهای لازم کسب و کار به روستائیان می تواند نقش مهمی در افزایش سطح اشتغال، تولید، رفاه و متعاقباً جلوگیری از مهاجرت روستائیان داشته باشد.

از آنجائیکه پذیرش فرهنگی توسعه زیرساخت جدید ممکن است با تأخیر و سپری شدن زمان قابل توجهی صورت گیرد، لذا توصیه می شود که همزمان با اجرای بعضی از سرمایه گذاری ها، دولت به برنامه ریزی و اجرای سیاستهایی در رابطه با زمینه سازی های فرهنگی و اقتصادی در خصوص اجرای مطلوب این سرمایه گذاریها بپردازد.

همچنین دولت میتواند با بررسی اثرات سیاسی و نهادی سرمایه گذاریهای عمومی، شرایط و اوضاع مطلوبتری را برای رشد این سرمایه گذاریها و تأمین کالاها و خدمات عمومی فراهم کند و به تبع آن مکانیسم هائی را از لحاظ وضع سیاستها، قوانین و سیستمهای مالی طراحی نماید که منابع مورد نیاز برای ایجاد و توسعه سرمایه گذاریهای عمومی بطور اصولی به مناطق روستایی هدایت شوند.

بنابر این مطالعه تخصیص اعتبارات در زمینه توسعه و تسهیل در سیستم حمل و نقل روستایی و همچنین توسعه و تأسیس شبکه های ۳ و ۴ آبیاری از اولویتهای اساسی عمرانی کشور در بخش کشاورزی و جامعه روستایی به شمار می رود. آنچه که واضح است هر تلاشی از جانب دولت که در جهت توسعه فعالیتهای عمرانی و در نتیجه در راستای کاهش هزینه های تولید و افزایش ارزش افزوده فعالیتهای کشاورزی انجام شود از آنجایی که بخش کشاورزی و جامعه روستایی را بهره مند می سازد و به کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد منجر شود، ستودنی است.

منابع

- ۱- ادیبی سده، م. ۱۳۷۵. برشمردن عوامل ایجاد فقر و تعیین سهم هر کدام، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، اردیبهشت ۱۳۷۵. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- ۲- اژدری کاشانی، ح. ۱۳۷۶. بررسی اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مازندران.
- ۳- بانک جهانی، ۱۳۸۱. مبارزه با فقر: گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور اجتماعی.
- ۴- پروین، س. ۱۳۷۵. زمینه های اقتصادی فقر در ایران، رساله دوره دکتری، رشته علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.

- ۵- پژویان، ج. ۱۳۷۵. فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، اردیبهشت ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- ۶- ترکیسیان، ن. و همکاران، ۱۳۵۸. جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، جلد اول: مواد غذایی خام، انتشارات انستیتوی تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۳۱، تهران.
- ۷- حسن زاده، ع. ۱۳۷۹. بررسی عوامل مؤثر بر فقر (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم و پنجم.
- ۸- خالدی، ک. ۱۳۷۹. بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۹- دوراندیش، آ. ۱۳۸۱. بررسی اثر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد در ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۱۰- رضوی، ح. ۱۳۸۲. روستا، فقر، توسعه: روشها و الگوهای مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهای آسیایی)، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه؛ شماره ۵۲.
- ۱۱- زیاری، ک. ۱۳۷۵. مفاهیم و متدولوژی تعیین خط فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، اردیبهشت ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- ۱۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارشهای سالانه اقتصادی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۱.
- ۱۳- گالبرایت، ج. ۱۳۷۱. ماهیت فقر عمومی، ترجمه محمد عادل، انتشارات اطلاعات.
- ۱۴- گایها، آ. ۱۳۷۸. طراحی و راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه؛ شماره ۳۲.
- ۱۵- مرکز آمار ایران. ۱۳۸۱. اندازه گیری شاخصهای فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- ۱۶- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی. ۱۳۷۸. روستا، فقر، توسعه، مفاهیم، رهیافتها و شاخص ها، جلد اول، از سلسله انتشارات روستا و توسعه؛ شماره ۳۱.
- ۱۷- نیلی، ف. ۱۳۷۵. بررسی اثرپذیری شاخصهای توزیع درآمد از گروه بندی داده ها، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، اردیبهشت ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- ۱۸- وزارت نیرو، سی و پنج سال صنعت برق ایران در آینه آمار، آبان ۱۳۸۱.

- 19- Bourguignon, F., & Morrisson, C. 1998. Inequality and Development: the role of dualism. *Journal of Development Economics*, 57(2), 233-257.
- 20- Ciccone, A. & Matsuyama, K. 1996. Start-up costs and pecuniary externalities as barriers to economic development, *Journal of Development Economics*, 49, 33-59.
- 21- Datt, G., & Ravallion, M. 1996. How important to India's poor is the sectoral composition of economic growth?. *The World Bank Economic Review*, 10(1), 1-25.
- 22- Datt, G., & Ravallion, M. 1998. Farm Productivity and Rural Poverty in India. *Journal of Development Studies*. 34(4): 62-85.
- 23- Fan, S. 2003. Public investment and poverty reduction: What have we learnt from India and China? International Food Policy Research Institute. ADBI Conference, Tokyo.

- 24- Fan, S., Hazell, P., & Thorat, S. 1999. Linkages between government spending, growth, and poverty in rural India. IFPRI research report 110. IFPRI, Washington.
- 25- Gallup, J., Radelet, S., Warner, A. 1997. Economic Growth and the Income of the poor. Harvard Institute for International Development. CAER II Discussion Paper No. 36. HIID. Cambridge. MA.
- 26- Hazell, P., & Haddad, L. 2001. Agricultural research and poverty reduction, Food, Agriculture and Environment. Discussion Paper No. 34. IFPRI/ Technical Advisory Committee of CGIAR. Washington DC.
- 27- Jimenz, E. Y. 1995. Human and physical infrastructure, in Behrman, Jere and T. N. Srinivasan Eds. Handbook of Development Economics, Volume 33, Elisevier Science. North Holland: 2773-2843.
- 28- Lipton, M. 1977. Why poor people stay poor?. Urban bias in world development. London: Temple Smith.
- 29- Mellor, J. 2001. Faster more equitable growth-agriculture, employment multipliers and poverty reduction. Paper prepared for USADD/G/EGAD Conference.
- 30- Murphy, K., Shleifer A. & Vishny R. W. 1989. Industrialization and Big Push. Journal of Political Economy 97(5), 1003-26.
- 31- Thirtle, C., Lin, L. & Piesse, J. 2003. The impact of research-led agricultural productivity growth on poverty reduction in Africa, Asia and Latin America. World Development Vol. 31. No.12: 1959-1975.
- 32- Thorbecke, E., & Jung, H. 1996. A multiplier decomposition method to analyze poverty alleviation. Journal of Development Economics. 48(2): 279-300.
- 33- War, P. G., & Wang, W. 1999. Inequality and economic growth in Taiwan. In G. Ranis & R. Hu(Eds). The Political Economy of Development in Taiwan: Essays in memory of John CH Fei. London: Edward Elgar:133-165.
- 34- White, H., & Anderson, E. 2000. Growth versus distribution: Does the pattern of growth matter. Working Paper. Institute of Development Studies. University of Sussex.
- 35- Wodden, Q. 1999. Growth, poverty and inequality: A regional panel for Bangladesh research. Working Paper. No. 2072. The World Bank. Washington, DC.

Investigation of Poverty and Income Distribution in Rural Areas of Iran with emphasis on Infrastructural Investments Impact

M. Fehresti Sani¹, I. Saleh² and H. Salami³

1, Researcher of Agricultural Planning and Economic Research Institute,
And 2, 3, Assistant Professor and Associate professor of
Agricultural Economic Department of Tehran University.

SUMMARY

Physical infrastructure plays an important role in the process of the economic development. Accessibility to infrastructures such as access to safe piped water, educational and health services, electrification and transport enhance human welfare. The main objective of this study is to determine the contribution of the main types of infrastructure investments to poverty reduction and income distribution in Iran. For this purpose poverty line and head count ratio index were calculated over 1982-2002 using data collected from various Iranian organizations and statistical centers. Impacts of various types of infrastructural development on agricultural production, poverty and inequality were investigated through parametric method and econometric analysis. Computed poverty and income distribution indices imply that rural poverty over the study period has decreased while inequality in the rural areas has been increased. The estimated parameters of the income distribution model indicate that investment on health, electrification and irrigation canals establishments in rural areas has improved rural income distribution, while the extension of rural road and educational centers has worsened inequality in the areas.

Key words: Rural poverty, Infrastructure, Public investment, Income distribution.